

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

صفحات: ۴۱-۵۶

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان در قرون اولیه اسلام بر کشورها و شهرهای غیرمسلمان

اعظم مظفری

گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

فیض‌اله بوشاسب گوشه*

گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

سید علیرضا ابطحی

گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

ادریسیان (۷۷۸-۹۸۵ م) نخستین فرقه شیعی بودند که در بلاد اسلامی به قدرت سیاسی رسیدند. آنها موفق شدند حدود سه قرن ابتدا به شکل کاملاً مستقل و سپس، به عنوان کارگزار خلافت اموی مستقر در اسپانیا تشکیل حکومت دهند. نتایج این استقرار و تثبیت قوای سیاسی به تدریج در حوزه‌های فرهنگ و تمدن خود را آشکار ساخت تا بدانجا که پژوهش‌های بسیاری بر مظاهر فرهنگ و تمدن ادریسی شهادت می‌دهند؛ اما نکته ناگفته‌ای که در این زمینه وجود دارد، تأثیرگذاری آنها بر همسایگان مسلمان و غیرمسلمانی است که به تدریج شیفته تمدن و اندیشه فرهنگی ادریسیان شدند. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به مهمترین مصادیق و مؤلفه‌های تمدن‌ساز پرداخته است که در زمامداری ادریسیان ظهور و گسترش یافتند و علاوه بر آن به کشورها، بلاد و اقوام دیگر به شکل مستقیم یا غیرمستقیم صادر شدند. بنا بر نتایج، اگر تمدن را منبعث از دو عامل وحدت‌یافتگی و دین‌بدانیم و آن را بر اساس اصولی مانند معماری، سیستم بوروکراتیک و روابط تجاری-سیاسی بازشناسی کنیم، آنگاه می‌توان دریافت که چگونه بسیاری از دستاوردهای تمدنی دوران ادریسیان از کشورهای آفریقایی تا اسپانیا و پرتغال گسترش یافته است. هرچند شکل این گسترش متوازن و همگن نبوده، اما نهایتاً تأثیرات ژرفی از ساختار تمدن ادریسی در تمامی این حوزه‌های جغرافیایی و سیاسی دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: تمدن ادریسی، معماری ادریسی، ساختار بوروکراتیک، اثرات تمدنی، توزیع تمدن.

مقدمه

بررسی تمدن و تمدن‌ها به شکل خودآگاه از زمانی آغاز شد که بشر توانست با توجه به نیروهای عقلانی فاصله خود با سنت‌های گذشته و همچنین، جایگاه خویش در تاریخ را بازشناسی کند. این بدان معنا نیست که ادوار گذشته تاریخ عاری از تأمل در چنین مسائلی بودند. خیل تاریخ‌نگاری، سیاحت‌نامه‌ها و گزارش‌هایی که اعتبار دقت آنها تا جایی است که متون عصر مدرن نیز با همه امکانات گاه به آن رشک می‌ورزد، گواهی می‌دهد که بررسی تمدن‌ها در قالب مختلف فکری همواره دغدغه عالمان دروان بوده است. در این جستار هرچند به مسئله تمدن در یکی از حکومت‌های قرون صدر اسلام خواهیم پرداخت، اما پرداختن به شکل آگاهانه ظهور و تجلی آن اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا قصد داریم آثار این تمدن بر اقوام و جغرافیاهای سیاسی دیگر را به منصفه بحث و فحص بگذاریم. در مقام مقدمه می‌توان اینگونه آغاز کرد که صدر اسلام به ویژه بعد خلفای چهارگانه عصری است که تحولات سیاسی بسیاری به خود دید. نبرد و نزاع معاویه بن ابی سفیان بر علیه خلافت برحق حسن بن علی (ع)، سازش بصیرت‌محور آن حضرت، حوادث زمان یزید بن معاویه به ویژه حادثه کربلا و نهایتاً، تشکیل حکومت‌های برخاسته‌ای نظیر زبیریان به تدریج ثبات مستقر در زمان خلفای چهارگانه را از بلاد اسلامی دور می‌ساخت. آشوب‌ها تا پایان سلسله اموی به درازا کشید و قیام‌های شیعیان نیز در همین برهه زمانی در فواصل کوتاه در سطوح سیاسی و فکری جامعه اسلامی مطرح می‌شد. به بیان دیگر، در وضعیت تاریخی گذار از دولت اموی به خلافت عباسی، شیعیان همواره محل حساسیت یا مورد توجه حکومت‌ها بودند و تصور می‌رفت که هیچ خلیفه‌ای از آنها در امان نیست. در زمان الهادی، خلیفه چهارم عباسیان یکی از مهمترین قیام‌ها و خیزش‌های شیعیان مشهور به قیام فخر توسط محمد بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب مشهور به «نفس زکیه» در سال ۱۴۵ ه.ق به وقوع پیوست. اخبار شیعی حاکمی از آن است که هرچند مرجعیت شخص نفس زکیه در مقام مصلح یا چنانچه معتقدانش می‌پنداشتند مهدی آخرالزمان از سوی امامان شیعه به ویژه امام صادق (ع) مردود شمرده می‌شد، اما درباره خود قیام فخر، امامان شیعه آن را ستایش می‌کردند. از امام محمدتقی (ع) روایت شده که فرمودند: «بر شیعیان ما پس از روز کربلا هیچ روزی سخت‌تر و مصیبت‌بار از روز فخر نبوده است (کلینی، ۱۳۹۳: ۴/۳۲۲)».

نبرد فخر با کشتار شیعیان به اتمام رسید و ادريس اول برادر نفس زکیه به سمت آفریقا هجرت کرد و در آنجا حکومت شیعی ادريسيان را بنا نهاد. او به شهر «طنجه» در آمد و پایه‌گذار نخستین دولت سامان‌یافته، نظام‌مند و سیستماتیک مغرب اقصی (مراکش کنونی) گردید (کلیفورد، ۱۳۷۱: ۹۰). اما از مبانی و گزارش تاریخی حضور این سلسله یا فرقه شیعی که بگذریم، بحث بر مسئله‌ای است که البته، از بستر حوادث سیاسی بر می‌خاست، اما تأثیراتی

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت اداریسیان..... ♦

عمیقاً فرهنگی و تمدن‌محورانه داشته است. در این مجال می‌کوشیم از چنین لحظه‌ای، یعنی حضور و استقرار اداریس اول در آفریقای کنونی تا قرن چهارم که هرچند اداریسیان بعضاً در قدرت بودند، اما دیگر نه آن استقلال اولیه را داشتند و نه دیگر توسعه و پیشرفت مبتنی بر منظرهای دینی و عقیدتی را، به بررسی روشمند تأثیراتی بپردازیم که از سوی آنها بر «دیگران» نهاده شد. این تأثیرات را در این جستار منحصراً بر پایه عوامل تمدن‌ساز پی خواهیم گرفت. و مراد ما از «دیگران» هم مسلمانان غیراداریسی یا غیرشیعی است و بیش از آنها قبایل، مناطق همجوار و حکومت‌های مسیحی یا غیرمسلمان محلی تا آستانه‌های اروپا. با اتخاذ روشی توصیفی-تحلیلی می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که مهمترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز یا مدنیت‌محور که از سوی اداریسیان به حکومت‌های دیگر ترویج یا صادر شدند، چه بودند؟

پیشینه تحقیق

هرچند تألیفات علمی قابل‌توجهی در باب فرهنگ و تمدن اداریسی تاکنون به رشته تحریر و پژوهش درآمده، اما تاکنون پژوهشی که بر رابطه مبتنی بر تأثیرگذاری اداریسیان بر اقوام دیگر به لحاظ شاخص‌های تمدن متمرکز شود، مشاهده نشده است. با این حال، از میان تحقیقات انجام شده می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: محمدحسین دانشکیا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت و نقش دولت اداریسیان در تمدن اسلامی» تلاش می‌کند تا نشان دهد که اداریسیان با استقرار و سپس، تلاش در حفظ استقلال سیاسی خود به عنوان نخستین دولت شیعی در زمینه تمدنی، عصری طلایی را پشت سر گذاشتند که آگاهی از آن به نقش شیعیان در بنای تمدن اسلامی کمک می‌کند. در این جستار این امر بررسی شده که این دولت با الهام از آموزه‌های اسلام، ضمن برقراری ارتباط مستحکم با مردم مغرب، با ساخت شهرها آنان را به شهرنشینی دعوت کرد و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری و کشاورزی، بدل به وضعیت جدیدی از دولت اسلامی گردید. شهیدی پاک (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب در دوره اداریسی و جایگاه تمدنی اداریسیان»، به موضوع تمدن‌سازی و عوامل دخیل و مؤثر بر آن در سه قرن حکومت اداریسیان پرداخته و معتقد است که شکوفایی تمدن اسلامی در عهد اداریسیان در شکل‌های مختلف تمدنی ظاهر شد که کاهش چشمگیر بدویت با شهرسازی و تاسیس چندین شهر در مغرب و توسعه آموزش با تاسیس چند مرکز آموزشی، گسترش تجارت و صنعت و کشاورزی و دامداری و گسترش زبان عربی و شریعت و فرهنگ اسلامی و پیشرفت نظامی، توسعه تشکیلات اداری و توسعه مذهب تشیع و رهاسازی اسلام از بدعت خوارج و سرنگونی دول خوارج در مغرب اقصی و قطع مطامع سیاسی اجتماعی و مذهبی و نظامی خلافت عباسی از مغرب، مهم‌ترین موارد قابل ذکر آن‌ها است. تاسیس دولت

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
ادریسی نماد اصالت تمدن اسلامی در غرب جهان اسلام است و کارکرد تشیع در تمدن‌سازی و پیشرفت فرهنگ اسلامی در مهم‌ترین نقطه استراتژیک جهان در کنار تنگه جبل الطارق را نشان داده است.

تمدن ادریسی

مفهوم تمدن در فرهنگ ادیان ابراهیمی به ویژه فرهنگ اسلامی مفهومی عمیق و مورد تأکید بوده است. کتب مقدس تأکید می‌کنند که استقرار یکتاپرستی با سکونت ابراهیم (ع) آغاز شد و نهایتاً، استقرار حکومت‌های مبتنی بر این ادیان نیز عمیقاً با مدنیت در مفهوم خاص‌اش، یعنی شهرسازی و شهرنشینی عجین و قریب گشت. معنی اصطلاح «تمدن»، «شهرنشینی» است و در مفهوم خود مخالف بدوات (بادیه‌نشینی) است. هرچند خود این اصطلاح عربی است، اما معادل مصطلح آن در عربی «حضاره» است. ابن منظور در لسان العرب آورده است که حضارت اقامت در حضر است (ابن منظور، ۱۳۹۳: ۴۶۶).

اما در حوزه علوم انسانی این واژه یا اصطلاح دلالتی گسترده یافته و نمی‌توان بر سر تشریح آن به نوعی همصدایی حداقلی دست یافت. با این حال، برخی از مؤلفه‌های آن در تمامی تعاریف بیش و کم واحد و مشابهند (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۱۹۳). تأمل در باب مفهوم تمدن در قرون جدید با اندیشه‌های ویل دورانت به اوج خود می‌رسد. او الگویی ترسیم می‌کند که بتوان در ذیل آن عوامل و نهادهای تمدن‌ساز در طول تاریخ را نیز توجیه نمود و بازشناسی کرد. به زعم دورانت، «تمدن به شکل کلی آن عبارت است از نظمی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلأقت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.» (دورانت، ۱۳۷۸: ۷/۱). به تأسی از اندیشمندان روشنگری، دورانت برای تمدن‌ها چهار رکن و عنصر اساسی را برمی‌شمارد: ۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛ ۲. سازمان سیاسی؛ ۳. سنن اخلاقی؛ ۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر (همان: ۲۴). آرای او نشان می‌دهد که ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ زیرا تنها هنگامی از بین رفتن ترس است که کنجکاو و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبودی زندگی سوق می‌دهد. این آموزه دورانت در دین اسلام با این نگرش همراه می‌شود که هر تغییر یا تبدیلی همواره مثبت و سازنده ارزیابی نشده است. قرآن بیان می‌کند که تحولات و تغییرات همواره نمی‌تواند مثبت و سازنده باشد، زیرا می‌توان تحولات و تغییراتی را یافت که «نعمت» را حذف یا تبدیل به «نقمت» می‌کند (رعد، آیه ۱۱؛ انفال، آیه ۵۳؛ اعراف، آیه ۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲).

اما چند قرن پس از ادریسیان در یکی از بلاد تحت سیطره آنها، یعنی تونس، فیلسوفی به نام

_____تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان..... ♦

ابن خلدون ظهور کرد که دو عامل عصبیت و دین را عناصر مهم و کانونی ساخت تمدن اسلامی قلمداد می‌کرد. در نظر ابن خلدون، عصبیت بیشتر دال بر نوعی وحدت در هدف است که از بین آحاد قبیله گرفته تا شهر یا منطقه وجود داشته است. عامل دین نیز سبب می‌شد تا فرد بسی بیشتر از منویات دنیوی به مسائل فکری و آرمانی بیندیشد. بنابراین، عصبیت بر فردیت و دین بر مادیت لگام می‌زند تا نهایتاً، معنویت تمدن اسلامی از دل آن سر بلند کند. شکل‌گیری و شکوه تمدن ادریسی را باید بر پایه هر دو عنصر جستجو کرد؛ اما محل بحث در این مجال بیشتر از آن که بررسی شکل‌گیری این تمدن باشد، تأکید بر صادرات آن یا تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدتی است که از سوی ادریسیان بر بلاد دیگر گذاشته شده است.

۲-۱ جذابیت مدنیت ادریسی

ادریسیان از بدو ظهور و استقرار به دو دلیل به لحاظ شاخص‌های غیرسیاسی، یعنی حوزه‌های فرهنگ و تمدن بسیار شکوفا شدند. دلیل نخست، سنت فکری آنها بود که از بستر شیعی منتج می‌شد و بر اساس آموزه‌های مورد اعتقادشان بر مسائل فرهنگی تأکید و اصرار بسیاری داشتند. دلیل دوم نیز دور بودن آنها از حکومت مرکزی و ایجاد حواشی امنیتی بود که به میانجی فرمانبرداری طوایف و قبایل بومی آفریقا چون سدی میان ایشان و هجمه‌های حکومت مرکزی ایجاد شده بود. برای مثال، زمانی که هارون الرشید قصد آغاز نبردی دیگر با ادریسیان را داشت، یحیی برمکی او را از خطرهای مبادرت به چنین اقدامی برحذر داشت و به او توصیه کرد جاسوسی معتمد بفرستد که علاوه بر ارسال اخبار حیاتی از درون تشکیلات ادریسیان، در وقت مقتضی حاکمان ادریسی را ترور کند (طبری، ۱۳۸۶: ۸/۱۹۸). او نیز سلیمان بن خزیر معروف به شَمَاح را گسیل داشت و وی در فرصتی مقتضی مسواک ادریس اول را به زهر آلوده ساخت و وی کشته شد و سپس، پنهانی به دربار هارون گریخت (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۹۷/۷).

ادریسیان مداوماً این حدیث صحیح نبوی (ص) را نقل می‌کردند که «علیکم بالسواد الاعظم» (کلینی، ۱۳۹۳: ۲/۳۵۷). به همین دلیل، منظر آنها نسبت به شهر یا مدنیت صرفاً نوعی ساخت و ساز نبود، بلکه تأویل و تفسیر آنها از این توصیه نبوی ایجاد و گسترش مناسبات شهرنشینی و تمدن در هر دو سویه «عصبیت و دین» بود که پیشتر از قول ویل دورانت بیان کردیم. ادریسیان صرفاً به ساخت شهرها اکتفا نمی‌کردند، بلکه با اتخاذ سیاست‌هایی، مردم را به آبادسازی شهرهای موجود تشویق می‌کردند. مشوق‌های اجتماعی و اقتصادی در این زمینه تأثیری بسیار داشتند. برای مثال، در ساخت شهر فاس، ادریس اعلام کرد هر کسی تا اتمام حصار شهر خانه‌ای بسازد یا درختی غرس کند، متعلق به اوست که به آبادانی سریع فاس انجامید (غنیمه، ۱۳۷۷: ۴۹). این سنت بعدها توسط یحیی بن محمد نیز که از وی چهره حاکمی

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
عاقل و دانا گزارش شده، به کرات دیده می‌شود.

مهمترین عامل جذب‌کننده و تحیرآور تمدن ادیسی در نظر همسایگان بربر، مسیحی یا مسلمانان تحت قیمومیت خلافت عباسی شهر فاس بود. فاس از بزرگ‌ترین شهرهای مغرب اقصی و متشکل از دو وادی عدوة القرویین و عدوة الاندلسیین است. جدای از این که ادیس اول به ساخت این شهر اقدام کرد و پسرش آن را تکمیل نمود یا هر دو عدوه در زمان ادیس بن ادیس ساخته شده باشد (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۷۳)، باید گفت این شهر در بهترین نقطه آب و هوایی ساخته شد. سال‌ها بعد که یحیی بن محمد بن ادیس در ۲۳۴ قمری به حکومت رسید و شهر فاس را تجدید بنا کرد و مهمانخانه‌ها و گرمابه‌هایی برای بازرگانان ساخت و روضه‌ها (حومه‌ها) احداث نمود، مردم از جاهای دور به فاس می‌آمدند (قره‌چانلو، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۴۱).

یکی از مهمترین شهرهای دیگری که صرفاً نه بر اساس ساخت و ساز، بلکه بر پایه نوعی مدنیت عقلانی و ایجاد ساختار نظام‌مند شهرنشینی توسط ادیسیان بنا گردید و بسیار مورد توجه همسایگان‌شان واقع شد، شهر بصره بوده است. ابن حوقل درباره این شهر گفته که دارای حصار کوتاه است. شهر آباد است و هوای مناسبی دارد و خاکی پاک. وی اهالی شهر را اعم از زن و مرد از نظر خلق و خلق نیز ستوده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ج ۱، ۸۰). لئون آفریقی در قرن دهم هجری در وصف بصره می‌نویسد: «شهر بر قطعه زمین کوچکی واقع شده و شامل دو هزار خانه است... آن شهر را محمد بن ادیس (دوم) در دشتی میان دو برجستگی (کوه کوچک) در هشتاد میلی فاس و بیست میلی جنوب القصر بنا کرد... شهر دیوارهای زیبا و عالی دارد. در تمام دوران حکومت اداره شهر متمدنی بوده، در تابستان به لحاظ زیبایی اطرافش در آنجا اقامت می‌کردند» (آفریقی به نقل از قره چانلو، ۱۳۸۰: ۳۷۸). شهر تامدلت (از شهرهای سوس اقصی) را عبدالله بن ادیس بن ادیس در دشت همواری بنا کرد و بر گرد آن دیواری از آجر و سنگ کشید. شهر دارای دو گرمابه، بازار آباد و چهار دروازه بود (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۸۸). امیر ابراهیم بن محمد بن قاسم بن ادیس در سال ۳۱۷ قلعہ حجرالنسر را در بالای کوه مرتفعی ساخت و هدف از آن، ساخت دژی برای اداره به هنگامه هجوم دشمنان بود که دو بار مورد چنین استفاده‌ای فراهم شد (سعدون، ۱۴۰۸: ۵۴). اما ابن حوقل با همین نشانه‌ها، نام شهر را «اقلام» و سازنده آن را یحیی بن ادیس می‌خواند (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱). در دوره‌های میانی حکومت اداره، قاسم بود که تلاش بسیار نمود تا شهر اصیلا را بر بقایای شهر قدیمی فنیقیه تجدید بنا سازد. پس از قتل موسی بن ابی‌العافیه، ادیسیان نیرویی تازه یافتند و به سرکردگی قاسم گنون که پس از مرگ برادرش ابراهیم پیشوایی یافته بود، مناطقی را در مغرب متصرف شدند. قاسم، حجرالنسر را مقرر خود ساخت و تا ۳۳۷ق/۹۴۸م زیر نفوذ فاطمیان فرمان راند (ناصری، ۱۳۸۵: ۲۷۸؛ دبو، ۱۹۸۱: ۱۹۰). این شهر از مراکز تجاری مهم به شمار می‌آمد؛ در سال سه بازار

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان..... ۵

مشترک در آن برگزار می‌شد و مردم از اطراف برای تجارت به این شهر می‌آمدند. شهر جراوه را نیز ابوالعیش عیسی بن ادریس در سال ۲۵۷ بنا کرد. داخل این شهر چشمه‌های آب شیرین وجود داشت و دارای چهار دروازه، دژ، مسجد جامع و پنج حمام بود (همان، ۵۴).

۲-۲ تأثیر بر بربرهای آفریقا

اثرگذاری تمدنی ادریسیان نخست از خانه شروع شد. این خانه همان آفریقای بزرگ است. ادریس اول در سرزمین طنجه و در شهر ولیله، و به روایتی در تاهرت اقامت گزید و قبایل آن سامان را به فرمان خود خواند. «در ۱۷۲ق/۷۸۸م به نزد اسحاق بن محمد بن عبدالحمید، پیشوای بربرها، رفت و او همراه قبیله‌اش به اطاعت ادریس درآمد و به یاری او بر قبایل قند لاهو، پهلوانه، مدیونه و مازار که برخی از آنها مجوسی یا یهودی یا مسیحی بودند، حمله برد» (اسماعیل، ۱۳۸۳: ۴۴). فتوحات پی در پی، گرویدن مردم به جنبش و دولت او که با تصرف شهر تلمسان کامل گردید، باعث اقتدار سیاسی، اقتصادی، و نظامی برای او گردید و این مسئله ترس و دلهره را در دل عباسیان به وجود آورد، ضعف و ناتوانی در مانورهای دریایی، قدرت رویاروی مستقیم با این حریف تازه نفس را از خلافت شرقی - عربی گرفته بود، و تنها راه مقابله را در نابودی شخص اول حکومت از طریق مکر و حيله دیدند.

ادریس دوم اندکی پس از استقرار بر تخت، شهر فاس را بنیاد گذارد (المقری، ۱۳۸۸: ۴۳۲). سپس، به جهاد با قبایل غیرمسلمان مغرب شتافت. در ۱۹۷ق/۸۱۳م بر مصامده تاخت و سرزمین آنان را گشود و سپس، خوارج تلمسان را که از دیرباز در آن سرزمین نفوذی یافته بودند، سرکوب و نفوذ عباسیان را قطع کرد. ادریس بن ادریس پس از ۲۱ سال حکومت در ۲۱۳ق/۸۲۸م و به روایتی ۲۱۴ق/۸۲۹م درگذشت.

وضعیت مراکش در قرن دوم پیش از ظهور ادارسه چیزی جز آشوب توسط بربرها نبود، اما این بربرها اقوامی که به کلی وحشی و در مقابل مدنیت مقاوم باشند، نبودند. آنها خیلی زود تحت تأثیر آموزه‌های شیعی ادارسه قرار گرفتند. ادریسیان اولین نظام سیاسی بود که موفق شد ثبات سیاسی را در منطقه برقرار نماید، در بخش اقتصادی، سیاست باز اقتصادی ادریسیان و بخصوص حمایت از مالکیت خصوصی در شهرها، بخش‌ها، ناحیه‌ها موجب شکوفایی صنعت کشاورزی شد. ادریس دوم اعلام داشت که هرکس زمینی را احیاء و در آن نهالی بکارد، صاحب آن زمین خواهد شد (یعقوبی، بی‌تا: ۳۴۶). این حمایت‌ها و پرآب و حاصلخیز بودن فاس، بصره و اقلام موجب شد که محصولات تولید شده علاوه بر پاسخگویی به نیازهای داخلی، مواد لازم برای صنایع را نیز فراهم آورد، و به دنبال آن، صناعی چون روغن‌کشی، صابون‌سازی، و صنایع پارچه‌بافی ... به وجود آمد (دبوز، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
دوران باثبات حکومت ادریسی در زمان یکی از بزرگترین حاکمان ادریسی که علاوه بر هوش و فراست، به اخلاق و صداقت و بردباری نیز شهره بود، یعنی یحیی بن محمد بن ادریس بن ادریس (حکومت: ۲۳۴-۲۴۹ق/۸۴۹-۸۶۳م) است؛ دوره او اوج شکوفایی تمدن ادریسی محسوب می‌شود. در دوران زمامداری وی، فاس چنان رونق یافت که مردم از اندلس و افریقه به آن دیار مهاجرت می‌کردند و از این‌رو، این شهر بسیار وسعت یافت. یحیی در ۲۴۹ق/۸۶۳م پس از ۱۵ سال حکومت درگذشت.

نخستین ظهور تمدن ادریسی در زمان ادریس دوم به سال ۱۹۸ قمری با فتح «ازرو»، «طانطان» و «بنجنیر» اتفاق افتاد. در فاصله زمانی بسیار اندکی هر سه شهر از تمدن ادریسی آکنده شدند (البکری، ۱۹۹۲: ۲/۲۷۴)، اما شیوه ورود این فرهنگ از راه نبرد بود، نه از طریق مسالمت‌آمیز. نهایتاً، آنچه در عمل بجا ماند، احداث شهرها در حالی بود که در این جنگ‌ها آنها ویران نشده بودند، بلکه ادریسیان آنها را بر اساس الگوی طنجه و فاس بنا می‌کردند.

مسئله مهمی که در تمدن ادریسی در اسپانیا و پرتغال دیده می‌شود، نوعی تناقض در ساحت نظام‌مند کردن حوزه قضایی است. البته، در برخی پژوهش‌ها به این موضوع به شکل گذرا اشاره شده است، اما مدرک مستندی از اینکه سیستم مشخص و منظمی از قاضیان و ضابطان امور قضایی در شهرها وجود داشته باشد، در دست نیست. همین مقدار روشن است که ادریس بن عبدالله خود به قضا می‌نشست. در سال ۱۸۹ قمری، گروهی از اندلس و افریقه به حضور ادریس دوم رسیدند (دانشکیا، ۱۳۹۶: ۹۲) و وی از میان ایشان، عامر بن محمد بن سعید القیس را برای قضاوت برگزید. وی از شاگردان مالک بن انس و سفیان ثوری بود و از آن‌ها زیاد روایت می‌کرد. وی بر اساس مذهب مالکی حکم می‌نمود (سعدون، ۱۴۰۸: ۱۲۵)، ولی روشن نیست این قانون در همه قلمرو ادریسی اجرا می‌شد یا خیر. از ابهامات موجود در این دولت، همین نکته است که چگونه ادریسیان شیعی تن به قضاات مالکی داده‌اند. در این باره نظریات مختلفی وجود دارد. در نظر پژوهشگرانی همچون سعدون این نکته محتمل به نظر می‌رسد که اداره که خود را حاکمان شیعی می‌دانستند، بدون در نظر گرفتن هویت مذهبی خود، به رتق و فتق امور می‌پرداختند. برای آن‌ها، مطابقت شریعت با قرآن و سنت اهمیت داشت. مالک نیز قیام آنان را تأیید کرده بود و پیروی از مالک، باعث می‌شد آنان از سیطره مذهبی عباسیان که طرف‌دار مذهب حنفی بودند، رهایی یابند و استقلال سیاسی خود را حفظ نمایند.

در این دوره همچنان در دو سطح مسئله عمارت با مسئله تولید محتوا و مفاهیم پیوند می‌خورد. نخست، گسترش حکومت از درون به میانجی استقرار و تقویت پایه‌های تمدنی آن و سپس، بازشناسی هویت خویش در نظر «دیگری». این دیگری هر کدام از همسایگان، بیگانگان یا دشمنان می‌توانست باشد. برای مثال، یعقوبی می‌نویسد که «از قلعه صدینه به سوی رودخانه

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان..... ♦

بزرگ، دژها، بناها و سرزمین بزرگی به چشم می‌خورد که مورد رشک دیگران بوده... بعد از آن وارد شهر بزرگی می‌شوی که به آن افریقیه گویند. در کناره نهر عظیمی که به آن فاس گویند، مرکز یحیی بن یحیی بن ادریس بن ادریس بن ادریس است؛ شهری با منازل بسیار آباد و در سمت غربی رودخانه فاس - رودی است که گویند بزرگ‌ترین رود زمین است - سه هزار آسیاب قرار دارد (یعقوبی، بی‌تا: ۱۹۹).

چنانچه ابن حوقل روایت می‌کند، در زمان اداره شهر بصره دارای بازارهای مناسب و آباد است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۸۰/۱). او درباره منطقه قریب به آن چنین ادامه می‌دهد که الحجر شهری بزرگ است بر قله کوه که دژی مرتفع دارد که داخل آن اراضی و املاک خاندان ادریسی است (همان: ۸۰). همچنین، شکل‌گیری دولت ادریسیان مصادف شد با اینکه بربرهای ساکن در منطقه هنوز مجوسی، یهودی و نصرانی بودند و بربرهای مسلمان غالباً از خوارج صفری بودند. از طرف دیگر، در میان مردم مغرب شخصی از میان یکی از قبایل به‌نام غماره سربرداشت که ادعای پیامبری می‌کرد و خود را حامیم نامید. او از مذهب خارجی روی بر تافته بود و مورخان به وی لقب مفتتری دادند (مونس، ۱۳۸۴). یعقوبی نیز درباره شهری دیگر می‌نویسد: اغمات شهری ارزان و پر نعمت است و اسب‌های بارکش و سواری دارد. از شهر نفیس سیب‌های بسیار خوبی به آن جا (اغمات) آورده می‌شود. یک بار قاطر «سیب»، نصف درهم ارزش دارد ... بازارهای اغمات، بزرگ و آباد است. بازار اغمات روز یکشنبه برپا می‌شود و در آن همه نوع صنایع و کالاهای بازرگانی وجود دارد. در آن بازار بیش‌تر از صد گاو و هزار گوسفند در طی همین روز (یکشنبه) ذبح می‌شود (یعقوبی به نقل از قره‌چانلو، ۱۳۸۰: ۳۷۲/۲).

۲-۳ تأثیر بر اسپانیا

اسپانیا از قرن نخست اسلامی همواره در نظر مسلمین مهم و ارزشمند بوده است. چه زمانی که هنوز فتح نشده بود و چه زمانی که مسلمین بر آن چیرگی یافتند. نمی‌توان آثار خلافت اموی و عباسی را بر اندلس کتمان کرد یا همه جوانب تمدنی را به یک گروه یا دوره زمانی خاص نسبت داد؛ اما آنچه مهم و اساسی است این است که متأسفانه بررسی‌های تاریخی کمتر به تأثیرات اداره بر این جغرافیا پرداختند. حال آن که می‌شد با قراین علوم تاریخی دستاوردهای دقیقی از این مسئله حاصل ساخت.

شرایط سیاسی و اجتماعی، مناسبات حاکم، ظلم ارباب کلیسا، تفرقه و نارضایتی در میان طبقات جامعه، عدم رعایت حقوق فردی، اجتماعی و... زمینه‌هایی در میان مردم اندلس برای پذیرش حضور مسلمانان فراهم کرده بود. مسلمانان در بدو حضور، ابتدا مسیحیان آن منطقه را به پذیرش اسلام دعوت و اعلام کردند که اگر اسلام را نپذیرند، باید جزیه دهند که اکثریت

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
مردم آن منطقه حاکمیت مسلمانان را پذیرفتند. در دوره دوم ادریسیان حکومت حمودیان توسط علی بن حمود در سال ۴۰۷ ه.ق و با استفاده از شرایط آشفته دستگاه خلافت اموی و قتل سلیمان بن حکم، خلیفه اموی تأسیس شد. این حکومت به مدت ۴۰ سال بر بخش‌هایی از اندلس حکومت کرد تا سرانجام امویان توانستند بار دیگر خلافت را به دست بگیرند و به عمر حکومت حمودیان پایان دهند. از قرن پنجم هجری قمری به دلیل سستی و بی‌لیاقتی حاکمان اموی، حکومت‌های مستقلی در نقاط مختلف پی در پی ظهور کردند که هر کدام برای گسترش قلمرو خود، با همسایگان‌شان درگیر بودند و همین درگیری‌ها، سلطه پادشاهان مسیحیت بر مناطق وسیعی از اندلس را در پی داشت. در این دوره به حکمرانی ملوک الطوایفی می‌رسیم و گروه‌هایی به نام مراتلون، موحدون و... حکومت می‌کنند (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۳۸).

در این میان، شهر طلیطله بسیار حائز اهمیت است. طلیطله پایتخت ویزگوت‌ها بود. بعد از فتح اسپانیا توسط مسلمین، این شهر یکی از بزرگترین و مهمترین پایگاه‌های مسلمانان در اسپانیا محسوب می‌شد. اما نکته حائز اهمیت این است که سلطه ادریسیان بر این منطقه مهمترین معماری‌های طلیطله را همراه با ایجاد کانال رسمی ارتباط شهری و همچنین، ایجاد دستگاهی نظام‌مند از بوروکراسی متمدن ایجاد نمود. «ادریسیان بسیاری از آثار باستانی ویزگوت‌ها و رومیان را در طلیطله باقی گذاشتند، اما مسجد جامع طلیطله را بجای کلیسای جامع این شهر احداث نمودند و این کانال عقلانی شده شهری (یعنی وضعیت متناسب رابطه و نظام منطقی میان ارکان شهری) در حول و حوش این مسجد شکل گرفت (دوانی، ۱۳۴۸: ۱۷).

در حقیقت، احداث بناهای عظیم افزون بر بناهای قبلی در اندلس نیز حاکی از قدرت و ذوق و ابتکار ادریسیان بود. ستون‌های عظیم، طاق‌های هلالی، استفاده فراوان و چندکاره از مناره‌ها، گنبد‌ها و تزئینات گچی، حاکی از هنر معماری ادریسیان در اسپانیا است. مسجد جامع قرطبه، از آثار برجسته این امر است. البته، بخشی از میان این مکان عبادی، پس از غلبه مسیحیان بر مسلمانان اندلس، تخریب شد تا جای آن را کلیسای اعظم بگیرد، اما بخش وسیعی از آن تقریباً به همان وضعی که در پایان قرن نهم میلادی داشت، باقی مانده است (لوبون، ۱۳۵۸: ۱۲۸).

۲-۴ تأثیر بر پرتغال

تأثیر ادریسیان بر جنوب شرقی پرتغال کمتر از اسپانیا بوده است. با این حال، برخی از فرستادگان پرتغالی در دربار ادریسیان در زمان یحیی بن یحیی بن محمد در سال‌های ۵۵۱ تا ۵۵۳ هجری، به فاس وارد شدند و نهایتاً تحت تأثیر معماری شگرف آن قرار گرفتند. او برخلاف پدرش، یحیی بن محمد، چون مرد سیاست نبود و به کار کشورداری نمی‌پرداخت، قلمروش به سرعت میان عموها و دایی‌هایش تقسیم شد. خانواده عمر، برادر یحیی بن محمد، قلمرو سابق خود را

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان..... ♦

نگه داشت، ولی داود متصرفاتش را وسعت داد و شرق فاس را گرفت (سالم، ۱۹۸۱: ۲۶۵). با این حال، دوران او اوج رابطه بسیار محدود و معدودی بود که میان بلاد ادریسیان و ساکنان جنوب پرتغال برقرار شده بود. چنانچه ذکر شد، این رابطه بر اساس نهادها و عوامل تمدن‌ساز بیشتر شکلی نیابتی داشت؛ بدین معنی که پای ادریسیان هیچگاه به پرتغال نرسید و از سوی این مردمان اروپایی نیز نبرد یا تجارتی که مسبب هر نوعی از رابطه باشد، با ادریسیان برقرار نشد؛ بلکه بیشتر این رابطه‌ها بر اساس نوعی الهام از گردشگران، تاجران یا راهبان پرتغالی بود که در آن دوره کوتاه چندساله زمامداری یحیی بن یحیی به بلاد ادریسیان آمده بودند. دستاوردهای این دوره اغلب مربوط به شکیبایی و همکاری میان گروه‌های مذهبی مختلف است. یهودیان و مسیحیان در این دوره مورد حمایت قرار گرفته و کاملاً در زندگی اقتصادی و فرهنگی تلفیق شده بودند (دوانی، ۱۳۴۸: ۱۹).

برای ساخت شهرهای این دوره و همچنین، هرآنچه سبب تأثیرپذیری اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها شد، قبایل بربری همچون زاوغه شرکت جستند. این شهر با چوب و نی بنا شد (همان). فاس از دو عدوه تشکیل شده است؛ یکی به نام عدوه الاندلسیین مشهور گشت، زیرا به سال ۲۰۲ که حکم دوم اهالی اندلس را از قرطبه راند، آنها به این منطقه سرازیر شدند و اندلسیان این مکان را تعمیر کردند و به آن شکل و شمایل عربی-اندلسی بخشیدند.

یعقوبی در باب تاریخ این منطقه ذکر می‌کند که با این که مشکل آب در برخی نقاط وجود داشت، مردم در مناطق پرآب مانند فاس از کشت آبی استفاده می‌کردند (یعقوبی، بی‌تا: ۱۹۷-۱۹۸). پس از آن می‌توان متوجه شد که این مسئله تا چه اندازه در نظر مورخی مانند یعقوبی مهم و حیاتی بوده است تا آنجا که شرح می‌دهد اداره با مسئله کشت دیمی آشنا بودند و آن را به بسیاری از همسایگان خویش و قبایل اطراف آموختند. خود این مسئله، یعنی استفاده حداکثری از میزان آب کم و نادر، یکی از الگوهای تمدنی اداره در نظر غریبان گردید. هرچند به نظر می‌رسد که غریبان با توجه به وضعیت آب و هوایی آن منطقه دچار کم‌آبی مفرط نبودند، اما تشکیلات کشاورزی بکارگرفته شده توسط ادریسیان به رونق مناطق آنها نیز کمک کرده و در درجه اول، الهام می‌بخشید. از سیاست‌های این دولت در ترویج کشاورزی، اطلاعی در دست نیست جز همان فرمان ادریس دوم مبنی بر مالکیت هر زمینی که در آن ساختمانی ساخته شود یا هر درختی که در فاس در زمان خاصی غرس گردد، اما معلوم نیست آیا در مناطق دیگر هم چنین سیاستی درباره زمین اتخاذ شده یا خیر. احتمال اجرای چنین سیاستی زیاد است (یعقوبی، بی‌تا: ۱۹۷).

در نظر ناظران اسپانیس و پرتغالی، شهر فاس به عنوان پایتخت نخستین ادریسیان مثال خوبی برای هم‌آوردی هنرمندان از یک سو و تلاقی هنرهای گوناگون از شعر تا معماری از سوی

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
دیگر بوده است. «فاس که مرکز دولت اداری بود، دارای فرهنگ و تمدن اسلامی عظیمی گردید و عصر فرهنگ و تمدن آن با عصر فرهنگ و تمدن قیروان و قرطبه مقارن می‌باشد و حتی از آنها سبقت می‌گیرد. در این سرزمین روح خالص مغرب اسلامی جاری است» (چلونگر و برزگر، ۱۳۹۵: ۱۳)

۲-۴ سمبل‌ها و نشانه‌های تمدنی ادریسیان در نظر دیگران

چنانچه پیشتر نیز ذکر شد، بسیاری از سازه‌های ادریسی مورد نظر دیگران قرار گرفتند. اما به طور کلی و با در نظر گرفتن مفهوم عام تمدن، این تأثیرات از سه منبع الهام می‌گرفت:

- بناها و سازه‌ها
- سیستم بوروکراتیک
- روابط تجاری، سیاسی و قضایی

مجموع این سه عامل بود که تمدن ادریسی را در نظر دیگران بزرگ نشان می‌داد؛ هرچند بعضاً در برخی از قسمت‌ها مشاهده شده که یکی از این مظاهر به تنهایی تنفیذ و ظهور یافته است. در قسمت پایانی این بحث می‌توان مهمترین نمادها یا سمبل‌های سیستم حکومتی ادارسه را که بیش از موارد دیگر در چشم و زیر ذره‌بین نگاه کنجکاو دیگران بود، چنین برشمرد:

سیستم شهری فاس (که اطلاقاً به کلیت این سیستم در هر سه عامل بالا ارجاع دارد و نه فقط بر جوانب شهرسازی آن) تا آنجا که ابن حوقل و یعقوبی با آن که به موجودیت جغرافیایی آفریقا واقف بودند، آن را به شکل نمادین آفریقیه نامیدند (ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۱/ ۱۰۲؛ یعقوبی، بی‌تا: ۱۹۹).

مدرسه تلمسان که توسط ادريس کبير بنا نهاده شد. ابن خلدون از آن یاد و ستایش می‌کند و چنین شرح می‌دهد که پس از آن که تمامی قبایل بربر مسلمان شده و با ادريس اکبر بیعت کردند، او وارد تلمسان شد و در آنجا مدرسه‌ای بنا کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲۶۴).

مسجد جامع قرویین که در دوره نخست ادریسی و در زمان ادريس ثانی بنا نهاده شد. بسیاری از تاریخ‌نگاران مغرب از آن یاد کرده‌اند و آن را نمادی قابل تکثیر از تمدن ادریسی در دیگر بلاد برشمرده‌اند. شکل مدرسه و دانشگاه در دوره‌های بعد، یعنی در عصر مرابطون و موحدون نیز از این مدرسه الهام گرفته شده است (ناصری، ۱۳۷۵: ۲۵۰).

در دوره اول حکومت ادریسی، نظام اداری در فاس و همچنین، در دوره‌های بعد در شهرهای بنومدرار و سجلماسه به وسیله انتصاب حاکمان محلی و ایجاد شرایط فرهنگی خاصی همراه شد که در آن اطاعت سیاسی نیز برای حاکمیت ادریسی به همراه آورده شد.

تحلیل مؤلفه‌های تمدن‌ساز مؤثر از سوی دولت ادریسیان..... ♦

رقابت درون حاکمیت میان امرای ادریسی در پیشی گرفتن از هم در ساخت و ساز شهرهایی مانند بصره، اسیلا و نفیس که هرچند همراه با شروع دوران اضمحلال سیاسی آنها بود، اما این رقابت نفسگیر سبب رشد و شکوفایی این شهرها و شهرت آن میان همسایگان شرقی و شمالی شد (اسماعیل، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۸).

مسجد جامع قاسم بن ادريس در تاهرت در نزدیکی اسیلا که بعدها الگویی برای ادریسیان اندلس گردید و ساختار معماری آن تا حدی تکرار شد.

استفاده مکرر از دو صنعت پارچه‌بافی و شیشه‌گری که بسیاری از مورخان بر آن گواهی می‌دهند (ابن حوقل، ۱۸۳۸؛ اسماعیل، ۱۳۸۳ و یعقوبی، بی‌تا). هرچند دلیل موثق و مستند تاریخی در دست نیست که این دو صنعت از بلاد ادریسی بوده که به اسپانیا رفته است، اما می‌توان دست‌کم این امر را لحاظ کرد که ظهور هر دو در اسپانیا بعد از آشنایی آنها با تمدن ادریسی بوده است. در قرون بعدی این مسئله به وفور گزارش می‌شود که نساجی غرناطه آن چنان شهرتی داشت که پارچه‌هایش به نقاط مختلف اروپا صادر می‌شد. ورود پارچه‌های با کیفیت عالی و تنوع پرچادبه به بازارهای اروپا موجب شد پوشش‌های افراد مسیحی این قاره به جامعه‌های مسلمانان شباهت یابد. شیشه‌گری نیز در اندلس رونق فزاینده‌ای داشت. عباس بن فرناس قرطبی نخستین فردی بود که از سنگ، شیشه تهیه کرد (غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۳۰؛ دیوز، ۱۹۸۱: ۳۶۹).

و نهایتاً، بدل ساختن مقرّ حاکمیت به دارالعلم؛ تا بدانجا که دارالاماره حاکمان ادریسی در عین حال نوعی دانشگاه بود که عالمان و فقها را به سوی خویش فرا می‌خواند. این حرکت که نهادی مهم در بازنشانی تمدنی است، بعدها در اروپا، مصر و الجزایر و مورتانی نیز دیده شد (ابن عزاری المراكشی، ۱۹۸۳: ۱۲/۱۶۶).

نتیجه‌گیری

حکومت ادریسیان مانند بسیاری از خاندان‌های سیاسی حاکم در قرون گذشته دوران اوج و حضيض خود را از سر گذراند. به طریق اولی همانطور که عواملی زمینه‌ساز تثبیت قدرت سیاسی، فرهنگی و تمدنی آنها شدند، عوامل درونی و بیرونی‌ای نیز تأثیر بر روند اضمحلال این حاکمیت مستقل شیعی را آشکار ساختند. اما آنچه در اوج قدرت ادریسیان در دوره نخست حاکمیت آنها به ویژه در شمال آفریقا به ظهور رسید، عوامل فرهنگی و تمدنی ویژه‌ای بود که عمیقاً در مناسبات دو محور رشد یافت: نخست، سنت عقیدتی و فکری آنها از آموزه‌های اسلام شیعی و دیگری، ذوق و نوآوری آنها در آزمون‌های فرهنگی و تمدنی. این امر نه تنها زمینه‌ساز رشد و توسعه تمدن اسلامی در ولایات تحت حاکمیت ادارسه را فراهم آورد، بلکه بسی بیشتر از آن

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———

زمینه انتقال یا صادرات تمدنی این حاکمیت را مهیا کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چگونه اسپانیا، مصر، موریتانی امروزی، پرتغال اروپایی و الجزایر سرزمین‌های مسیحی، بربرنشین یا حتی سرزمین‌های مسلمانان غیرشیعی (که تحت حاکمیت خلفای عباسی) بودند که هر یک به نحوی از انحاء تحت تأثیر عوامل تمدن‌ساز ادریسیان در مراکش قرار گرفتند. اگر تمدن را در مفهوم عام و منتج از ادغام سویه‌های سیاسی، فرهنگی، هنری و عقیدتی بر بشماریم، می‌توان رد پای تمامی این مفاهیم را در سیر از حکومت ادارسه به بلاد نامبرده مشاهده کرد؛ اما در تلقی خاص تمدن به عنوان عاملی مبتنی بر شهرنشینی و ساخت جامعه متمرکز و دولت‌محور، اساساً این معماری و شهرسازی است که مهمترین میراث الهام‌بخش ادریسیان برای همسایگانش محسوب می‌شد؛ میراثی که هرچند نتایج بهره‌گیری از آن را از معماری گرفته تا گرده‌برداری از فرایندهای بوروکراتیک شهری می‌توان دید، اما غالباً به شکل مسالمت‌آمیز یا صلح‌جویانه‌ای صادر نشد و گاه محصول غلبه سیاسی ادریسیان در نبردها بر اقوام همسایه‌شان بوده است.

منابع

- قرآن کریم

- اسماعیل، محمود (۱۳۸۳). **ادریسیان یافته‌های جدید**، حجت الله جودکی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). **العبر**، ترجمه عبدالحمید آیتی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۳، چاپ اول.
- احمدی پور، زهرا؛ میرشکاران، یحیی؛ هورکاد، برنارد (۱۳۹۳). **سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط**، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، (۳۵) ۱۰، ۱۹۹-۱۷۶.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۹۳۸). **صورة الارض**، بیروت، دار صادر، ج ۱، چاپ دوم.
- ابن عذاری المراكشي (۱۹۸۳). **البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب**، بیروت انتشارات دارالثقافه، ج ۱، چاپ سوم.
- البکری، عبدالله بن عبدالعزيز (۱۹۹۲). **المسالك و الممالک**، محقق و مصحح فان لیوفن و همکاران، بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ج ۲.
- چلونگر، محمدعلی؛ برزگر، عصمت (۱۳۹۴). **دولت ادریسیان: تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دانشکبا، محمدحسین (۱۳۹۶). **وضعیت و نقش دولت ادریسیان در تمدن اسلامی**، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، (۵۹) ۱۵، ۱۰۸-۷۹.
- دبوز، محمدعلی (۱۹۸۱). **المغرب الكبير**، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالنهضة العربیه.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). **تاریخ تمدن**، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهی، ج ۴، چ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوانی، علی (۱۳۴۸). **آثار تمدن اسلامی در اسپانیا و پرتغال**، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دهم، شماره ۱۲.
- سالم، عبدالعزيز (۱۹۸۱). **المغرب الكبير**، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالنهضة العربیه.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷). **تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی**، ترجمه نورالله کسای، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کلیفورد ادموند بوسورث (۱۳۷۱). **سلسله‌های اسلامی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الکافی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). **اصول کافی**، ترجمه حسین استادولی، قم: دارالثقلین.
- لوبون، گوستاو (۱۳۵۸). **تمدن اسلام و عرب**، ترجمه سیدهاشم حسینی، چ سوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

- ◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ —
- موسوی خو، سید محمد (۱۳۸۶). **ادریسیان: نخستین دولت مستقل شیعی**، ره آورد سیاسی، شماره ۱۷.
- مونس، حسین (۱۳۸۴). **تاریخ و تمدن مغرب**، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱، تهران، انتشارات سمت.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵). **مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وحیدی‌منش، حمزه (۱۳۸۶). **عناصر تمدن‌ساز دین اسلام**، معرفت، شماره ۱۲۳.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب (بی‌تا). **تاریخ یعقوبی**، بیروت، دار صادر، ج ۲.